



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۹۲

مصادف با: ۴ ربیع الاول ۱۴۳۵

جلسه: ۴۹

موضوع کلی: صحیح و اعم

موضوع جزئی: امر اول: عنوان بحث

سال: پنجم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در ابتدای بحث صحیح و اعم لازم است اموری را به عنوان مقدمه مورد بررسی قرار دهیم، چون برخی دوستان جلسه قبل حضور نداشتند، خلاصه بحث را بیان می‌کنیم. امر اول درباره عنوان این بحث است که ما چه عنوانی را برای این بحث انتخاب کنیم، قهراً عنوان بحث باید یک عنوان جامع باشد که در برگزیده همه آراء و انظار مربوط به آن بحث باشد. گفتیم سه عنوان در رابطه با بحث صحیح و اعم مطرح شده؛ عنوان اول که مشهور از قدما تا زمان محقق خراسانی بیان کرده‌اند این بود که: «انّ الفاظ العبادات و المعاملات هل هی موضوعةٌ بازاء خصوص الصحیحة او الاعم؟»؛ آیا الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟ مرحوم آخوند عنوان دیگری را برای این بحث ذکر کرد و فرمود: «انّ الفاظ العبادات و المعاملات اسامٍ للصحیح منها او للاعم؟»؛ آیا الفاظ عبادات و معاملات اسم برای عبادات و معاملات صحیح هستند یا اسم برای اعم از صحیح و فاسدند؟ ایشان به جای کلمه «موضوعة» کلمه «اسامٍ» را بکار برد. عنوان دیگری که بکار برده شده این است که: «ان الاصل فی استعمال الشارع لالفاظ العبادات و المعاملات هل هو خصوص الصحیح او الاعم؟» اصل در استعمال شارع برای الفاظ عبادات و معاملات استعمال این الفاظ در خصوص صحیح است یا اصل، استعمال این الفاظ در اعم از صحیح و فاسد است؟ برای این که حق در مسئله و وجه عدول محقق خراسانی از تعبیر مشهور و همچنین وجه عدول گروه سوم از تعبیر محقق خراسانی معلوم شود باید عناوین فوق مورد بررسی قرار گیرد.

عرض کردیم نسبت به آنچه مشهور گفته‌اند که عنوان بحث عبارت است از: «انّ الفاظ العبادات و المعاملات هل هی موضوعةٌ بازاء خصوص الصحیحة او الاعم؟» اشکالاتی ایراد شده است. اشکال اول این بود که قرار دادن عنوان بحث به این بیان مستلزم آن است که به طور کلی قائلین به عدم ثبوت حقیقت شرعی از دایره نزاع صحیحی و اعمی خارج شوند چون این عنوان بحث می‌کند از اینکه الفاظ عبادات و معاملات برای چه چیزی وضع شده‌اند، آیا برای عبادات و معاملات صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟ در حالی که منکر حقیقت شرعی می‌گوید اصلاً وضعی وجود ندارد تا ما بحث کنیم آیا این الفاظ برای صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟ منکر حقیقت شرعی اساساً وضع را انکار می‌کند و می‌گوید نه تعییناً و نه تعیناً وضعی وجود ندارد بلکه معتقد است الفاظ عبادات و معاملات برای همان معنای

لغوی خود وضع شده‌اند و شارع به کمک قرینه و مجازاً این الفاظ را در عبادات یا معاملات استعمال کرده، پس استعمال شارع لفظی مثل «صلوة» را در عبادت مخصوصه یک استعمال مجازی است و اصلاً حقیقت شرعیه‌ای وجود ندارد؛ چون شارع به کمک قرینه از لفظ «صلوة» عبادت مخصوص را اراده کرده است لذا منکر حقیقت شرعیه هم که معتقد است شارع الفاظ را مجازاً در عبادات و معاملات استعمال کرده در دایره نزاع صحیحی و اعمی داخل است، یعنی خود قائلین به استعمال مجازی هم ممکن است صحیحی باشند یا اعمی. درست است ما عرض کردیم منکر حقیقت شرعیه هم می‌توانند در این بحث داخل شوند، یعنی کسانی که قائل‌اند شارع الفاظ عبادات و معاملات را مجازاً در معانی شرعی استعمال کرده می‌توانند در دایره نزاع صحیحی و اعمی داخل شوند ولی عنوانی را که مشهور ذکر کردند نمی‌توان برای این بحث قرار داد چون کسی که می‌گوید استعمال مجازی است اساساً وضع را قبول ندارد و معتقد است شارع وضع خاصی ندارد لذا نمی‌توان عنوان بحث را طبق نظر مشهور قرار داد و گفت: الفاظ عبادات و معاملات برای عبادات و معاملات صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟ و در عین حال بگوییم این عنوان شامل منکرین حقیقت شرعیه هم می‌شود. درست است که گفتیم این نزاع شامل همه افراد می‌شود ولی مشکل این است که عنوانی را مشهور ذکر کرده‌اند نمی‌توان عنوان بحث قرار داد.

#### اشکال دوم:

عنوانی که مشهور قائل شده‌اند شامل قول به وضع الفاظ عبادات و معاملات به وضع تعینی نمی‌شود. در بحث حقیقت شرعیه بعضی قائل‌اند شارع لفظ «صلوة» را به وضع تعینی برای عبادت مخصوصه جعل نکرده، یعنی این گونه نبوده که مثلاً رسول اکرم (ص) مردم را در مسجد جمع کند و بفرماید: «ایها الناس وضعتُ لفظ الصلوة لهذه العبادة» ولی به نحو وضع تعینی لفظ «صلوة» کم‌کم در معنای عبادت مخصوصه تعین پیدا کرده یعنی نخست شارع لفظ «صلوة» که به معنای دعا بود را در عبادت مخصوص به کمک قرینه استعمال کرده ولی کم‌کم در اثر کثرت استعمال نیاز به قرینه هم بر طرف شد لذا این الفاظ به وضع تعینی برای معانی مخصوص وضع شده‌اند.

مستشکل می‌گوید: اگر ما موضوع بحث را عنوانی قرار دهیم که مشهور ذکر کرده‌اند که «الفاظ العبادات و المعاملات هل هی موضوعةٌ بازاء خصوص الصحیحة او الاعم؟» این عنوان شامل قول به وضع الفاظ عبادات و معاملات به وضع تعینی نمی‌شود؛ چون وضع تعینی اساساً وضع نیست و وضع منحصر در وضع تعینی است و وضع تعینی یک نحوه اختصاص لفظ به معنی است و اصلاً وضع نیست. این اشکال را امام (ره) ایراد کرده است.<sup>۱</sup>

#### بررسی اشکال دوم:

به نظر می‌رسد این اشکال طبق مسلک مشهور وارد نیست، چون امام (ره) وضع تعینی را وضع نمی‌داند - ما هم در بحث اقسام وضع نظر امام (ره) را اختیار کردیم و گفتیم حقیقت این است که وضع تعینی وضع نیست لذا تقسیم وضع به تعینی و

۱. مناہج الوصول، ج ۱، ص ۱۱؛ تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۶۷.

تعیینی را نپذیرفتیم و گفتیم وضع یک قسم بیشتر ندارد و آن هم وضع تعینی است - لذا این اشکال فقط طبق مبنای ایشان که وضع تعینی را وضع نمی‌داند وارد است ولی طبق مبنای مشهور که وضع تعینی را هم قسمی از اقسام وضع می‌دانند این اشکال وارد نیست و عنوانی که مشهور ذکر کرده‌اند قول به وضع تعینی را هم شامل می‌شود چون مشهور وضع تعینی را پذیرفته و آن را هم از اقسام وضع محسوب کرده‌اند.

#### اشکال سوم:

عنوانی را که مشهور برای بحث صحیح و اعم ذکر کرده‌اند قول منسوب به باقلانی را هم شامل نمی‌شود در حالی که نظریه باقلانی هم در دایره نزاع صحیحی و اعمی داخل است.

نظر باقلانی این است که به طور کلی اساساً الفاظ عبادات و معاملات که در شرع وارد شده نه به نحو حقیقت شرعیه است که شارع این الفاظ را برای معانی خاص تعییناً یا تعیناً وضع کرده باشد و نه شارع این الفاظ را مجازاً در این معانی استعمال کرده، یعنی نه شارع لفظ «صلوة» را برای عبادت مخصوص وضع کرده و نه با کمک قرینه از این لفظ عبادت مخصوص را اراده کرده، یعنی این طور نیست که «صلوة» هم مثل «اسد» که به کمک قرینه «یرمی» در «رأیتُ اسداً یرمی» بر رجل شجاع دلالت می‌کند به کمک قرینه بر عبادت مخصوص دلالت کند پس استعمال شارع نه از قبیل حقیقت شرعیه است نه از قبیل مجاز بلکه همه الفاظ در معانی لغوی خود استعمال شده ولی در کنار آنها قرینه‌ای قرار داده شده که آن قرینه معنای مراد شارع را افاده می‌کند؛ مثلاً وقتی شارع می‌گوید: «صلّوا» طبق نظر باقلانی این لفظ در معنای لغوی خود که دعا باشد استعمال شده ولی در کنار آن الفاظی را بکار برده که دال بر این است که این دعا به رکوع، سجود، قنوت، تشهد و سلام ضمیمه شود لذا دلالت این الفاظ و قراینی که کنار آنها قرار دارد بر معنای مورد نظر شارع به نحو تعدد دال و مدلول است. این فرق اصلی نظریه باقلانی با دیگران است. کسی که معتقد است «اقیموا الصلاة» یک استعمال مجازی از طرف شارع است دلالت لفظ «صلاة» را بر عبادت مخصوص به نحو تعدد دال و مدلول نمی‌داند کما اینکه در «رأیتُ اسداً یرمی» گفته نمی‌شود «اسد» بر حیوان مفترس دلالت دارد و «یرمی» هم بر معنای دیگری دلالت دارد و این دو به ضمیمه هم معنای رجل شجاع را می‌رسانند بلکه گفته می‌شود «یرمی» قرینه است بر اینکه از لفظ «اسد» معنای رجل شجاع اراده شده است و تعدد دال و مدلول در کار نیست بلکه «یرمی» به عنوان قرینه دال بر این است که از لفظ «اسد» معنای رجل شجاع اراده شده است اما در نظریه باقلانی این گونه نیست، چون ایشان می‌گویند لفظ در معنای لغوی خودش استعمال شده ولی این معنای لغوی باید به چیزهای دیگری ضمیمه شود مثلاً لفظ «صلوة» به معنای لغوی خودش که دعاست استعمال شده ولی این دعا باید همراه رکوع، سجود، قنوت، تشهد و سلام باشد که کأنّ مجموع اینها با هم یک معنی را که همان عبادت مخصوص باشد می‌رسانند.<sup>۱</sup>

۱. شرح العزّدی علی مختصر الاصول، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.

اشکال سوم این است که عنوانی که مشهور برای بحث صحیح و اعم قرار داده شامل نظریه کسانی مثل باقلانی نمی‌شود؛ چون عنوان بحث این است که آیا الفاظ عبادات و معاملات فقط برای عبادات و معاملات صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟ پس کلمه «موضوعه» در این عنوان دخالت دارد در حالی که در نظریه باقلانی اساس بر این است که اصلاً وضعی غیر از معنای لغوی از ناحیه شارع نیست و شارع نه وضع تعیینی دارد و نه وضع تعینی و حتی شارع الفاظ عبادات و معاملات را به نحو مجاز هم در این معانی مخصوص استعمال نکرده است، لذا قهراً اشخاصی مثل باقلانی تحت عنوانی که مشهور ذکر کرده‌اند قرار نمی‌گیرد در حالی که حتی طبق نظریه باقلانی هم می‌توان بحث صحیح و اعم را تصویر کرد.

پس سه اشکال بر نظریه مشهور ایراد و مورد بررسی قرار گرفت که به غیر از اشکال دوم که به عنوان مطرح شده از طرف مشهور وارد نیست اشکال اول و سوم وارد است لذا این عنوان که از طرف مشهور مطرح شده یک عنوان جامع و فراگیر نیست و همه انظار را در بر نمی‌گیرد. لذا شاید به خاطر همین اشکالاتی که مطرح شد محقق خراسانی بر خلاف کتب قبل از خودش عنوان دیگری را برای بحث صحیح و اعم قرار داده و گفته: «ان الفاظ العبادات و المعاملات اسامٍ للصحيح او للاعم؟».

**بحث جلسه آینده:** نظریه مرحوم آخوند را انشاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»